نگاه

اقتصاد دانش‌بنیان توطئه سرمایه‌داری نیست! (۲)

حمید آصفی . کارشناس اقتصادی

● اولین پرسشی که به ذهن می‌آید، این است که اقتصاد رانتی و تجارت‌محور ایران اجازه توسعه اقتصاد دانش‌بنیان را می‌دهد؟ جواب این پرسش در سطح اول، سیاسی است و برمی‌گردد به شناخت آرایش طبقاتی و جناح‌های ذی‌نفع و توازن قوا و هژمون سیاسی (political hegemony) و اگر هژمون سیاسی به وسیله توسعه‌گرایان مترقی و پایدار به‌دست بیاید، برنامه‌های آنها با سهولت بهتری پیش می‌رود. در بین جناح‌های حاکم حداقل‌های نزدیکی با نیروهای توسعه‌خواه شاید جناح دولت باشد؛ اما بیاییم بنا را بر این بگذاریم که در بین جناح‌های حاکم هیچ‌کدام حاضر به ائتلاف سیاسی با نیروهای خواهان توسعه مترقی و پایدار نیستند. آیا وظیفه نیروهای مدافع توسعه متوازن و مترقی و پایدار تعطیل فعالیت‌های خود است و تا حل مانع سیاسی حاکم فقط باید نقد و نقد کنند؟ یا اینکه برنامه پژوهشی-راهبردی باید در دستور کار قرار گیرد و در زمان گشایش فضا این نیرو حرفی اثباتی برای گفتن داشته و فقط شعار نداده باشد! و در آن شرایط هم اگر هژمون سیاسی کسب نشد و به دست نیاوردند؛ اما با کسب هژمون فکری و طرح آن در جامعه مدنی، جامعه‌شان پیش رفته است. آیا اگر این راهکار در دستور کار قرار بگیرد، ضرر کرده‌اند؟ در آن شرایط جامعه که ضرر نکرده است.

اقتصاد دانش‌بنیان توطئه سرمایه‌داری نیست بلکه می‌تواند موتور توسعه باشد!

حزب توده در دهه ۲۰ اشتباهات سیاسی زیادی داشت؛ اما مقولات اجتماعی که مطرح می‌کرد، همه از لحاظ اجتماعی درجه‌ای روبه‌جلو و قابل تحقق مثل اصلاحات ارضی، مثل سندیکاها، مثل برابری زن و مرد، به‌ویژه رهبری مصدق بسیار حرف‌های منسجم‌تر و ملموس‌تری از حزب توده داشت. از ملی‌شدن نفت گرفته تا ایجاد بانک ساختمان. بیمه، زمین، بسته‌های قانونی و ... همه‌چیز مشخص است. مشکل همان تعریف نهاد است که باید یک دستگاه ذهنی منسجم و مدل اجتماعی تعریف‌شده داشته باشید که با آن بتوانید بعد از انقلاب نهادها را بسازید. مهم‌ترین نهادها هم نهادهای اقتصادی است. حال ببینیم که جریانات سیاسی در آستانه انقلاب در چه وضعیتی هستند. مشی چریکی که اصلا موضوعش توسعه نبود.

اقتصاد دانش‌بنیان توطئه سرمایه‌داری نیست بلکه می‌تواند موتور توسعه باشد!

شاه اگر حزب رستاخیز را اعلام نمی‌کرد و جریانی که غرب هم با آن موافق بود، ادامه داده بود، این بلوغ فکری به دست می‌آمد و بعد نیروها و جریانات دور با همدیگر گفت‌وگو را شروع می‌کردند، ولی حزب رستاخیز و بدتر از آنکه کمتر به آن پرداختند، اعلام تاریخ دوهزارو ۵۰۰ساله بود. قرار بود خدا، شاه، میهن باشد ولی درواقع خدا را حذف کرد، شد شاه. دیگر نمی‌خواست مشروعیتش را از خدا بگیرد. می‌خواست مشروعیتش را از کوروش بگیرد! درواقع یک تاریخ تمدن اسلامی را می‌خواست حذف کند بعد هم می‌گفت من نظرکرده‌ام و این حماقت بزرگی بود. این‌چنین کارهای شاه به علاوه بگیروببندها، ۲۰ تا ۲۵ هزار از اصناف را گرفتند و در زندان ماندند و این رقم بالایی بود. در این‌سو هم قوی‌ترین جریانی که وجود داشت، چه از لحاظ منابع فکری و نیروی انسانی و تجربه تشکیلاتی حزب توده بود که با جهت‌گیری‌هایش آب به آسیاب تفکر دولتی‌سازی، الگوی منسوخی ریخت که خود شوروی می‌خواست کنار بگذارد و آن را به خورد ایران داد. این اشتباه را به‌نوعی دیگر هم در افغانستان کرد. در سال ۱۹۷۳ آقای آشیشکین کتابی به روسی نوشته بود به‌نام «تئوری سوسیالیسم» که ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۷۶ است و انقلاب ما ۱۹۷۹ رخ داد. در مقطعی که ما انقلاب می‌کنیم آنها به این نتیجه می‌رسند که این روش منسوخ است. این کتاب نباید به فارسی ترجمه شود! و هنوز نیز ترجمه نشده است. می‌گویند سوسیالیسم دولتی درست نیست، شدنی نیست و برنامه‌ریزی حزبی شدنی نیست. نگارنده خودش حزبی بوده است، کار را انتشارات پروگرس چاپ کرده است و ممنوعه نیست! خودش ترجمه انگلیسی کرده است.

در ۱۹۷۳ کنگره حزب کمونیستی اعلام می‌کند که دانش هم جزء نیروهای مولد است. تا آن زمان دانش را جزء نیروهای مولده قبول نمی‌کردند، اما چرا؟ اگر دانش را جزء نیروهای مولده قبول می‌کردند مجبور می‌شدند که غیر از پرولتاریای یقه آبی سایر اقشار را نیز به رسمیت بشناسند.چپ مذهبی و سکولار ایران با شعارهای جهان‌شمول مانند اینکه مالکیت ابزار تولید باید دولتی شود و هیچ وجه خصوصی ممکن نیست، قصد هژمون فکری و سیاسی داشتند.

ادامه در صفحه ۱۵

گفت‌وگوی «شرق» با عضو کمتر رسانه‌ای‌شده خانواده هاشمی

اولین طرح انتقال آب، ایده مرحوم هاشمی

ممکن است خیلی از زلزله‌ها برای برداشت آب‌های زیرزمینی و خالی شدن زمین باشد

لیلا مرگن: محمود هاشمی‌رفسنجانی، به‌عنوان سومین پسر خانواده هاشمی، کشاورزی را برای رفاه بیشتر رها نکرده است. او که در خانواده‌ای کشاورز در بهرمان نوق متولد شده، تحصیلات دانشگاهی دارد و در سمت‌های مختلف پس از انقلاب مشغول به کار بوده است؛ اما برخلاف دیگر برادران هاشمی، کمتر در تیررس رسانه‌ها قرار داشته است. او زمانی سفیر ایران در سوریه بوده و بعد از بازنشسته‌شدن از وزارت امور خارجه، کشت پسته را به‌عنوان محصولی که نامش با کرمان گره خورده، هنوز رها نکرده است. حدود ۴۰ هکتار باغ پسته دارد که به گفته خودش، اگرچه درآمدهای حاصل از پسته‌کاری کاهش یافته؛ اما هنوز از حقوق بازنشستگی وزارت امور خارجه بیشتر است. سومین عضو خانواده هاشمی مانند برادر مرحومش، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، دغدغه‌مند تأمین آب برای نیازهای کشاورزی است. مسئله کمبود آب را برای ایران جدی می‌داند و با این هدف که تجربیات و نظراتش برای کشور منشأ خیر شود، به درخواست مصاحبه خبرنگار «شرق» پاسخ مثبت می‌دهد. به اعتقاد برادر کوچک‌تر مرحوم، مسئله کم‌آبی مسئله‌ای جهانی است که در ایران کمی پررنگ‌تر بروز پیدا کرده است. با او درباره سیاست‌های آبی دوران سازندگی نیز گفت‌وگو کرده‌ایم. او درباره عملکرد برادرش می‌گوید: سردار سازندگی ایران دنبال صنعتی‌کردن کشور نبوده و بیشتر قصد داشت آب‌هایی را که هدر می‌روند، مهار کند. مشروح گفت‌وگو با محمود هاشمی‌رفسنجانی، دیپلمات بازنشسته را با هم می‌خوانیم:

شایعه کردند که هر ماشینی رفسنجان می‌رود، مال آقای هاشمی است

شاید بتوان شما را عضو ساکت خانواده هاشمی نامید. چرا باوجود اثرگذاری از یک زمانی به بعد، ترجیح دادید به‌جای هر فعالیت حکومتی، به کشاورزی بپردازید؟

من از طفولیت در خانواده‌ای کشاورز بودم و حالا هم با گذشت تمام اوضاع، شغل کشاورزی را رها نکرده‌ام. با وجود اینکه برادرم رئیس مجلس بود و خودم نیز در وزارت امور خارجه بودم و مشاغل مختلف داشتم، کشاورزی را رها نکردم و بعد از بازنشستگی کشاورزی را ادامه دادم. شایعه کردند که هر ماشینی به رفسنجان می‌رود، مال آقای هاشمی است؛ اما من ۲۰ هکتار زمین ارث پدری در رفسنجان دارم و بعدها در زرندیه ساوه ۲۰ هکتار زمین خریدم و باغ درست کردم. برادر مرحومم نیز پنج هکتار باغ در کرمان دارد. در زرندیه ساوه یک‌دانگ‌ونیم از حقابه یک چاه را دارم که با آن مزرعه پسته خود را آبیاری می‌کنم. هرکس در این منطقه موتور یا تلمبه آب داشته باشد، به ازای هر اینچ آب، ۷۰ یا ۸۰ هکتار زمین زیر کشت می‌برد. ولی من چون پولی نداشتم، باغ خود را توسعه ندادم. کشاورزی را برای اینکه کمی مرفه‌تر باشیم حفظ کردم. درآمد باغداری از حقوق بازنشستگی بهتر است.

چقدر از ۲۰ هکتار باغ ساوه، پسته برداشت می‌کنید؟

متأسفانه هرچه سال‌ها می‌گذرد، برداشت بدتر می‌شود. پیش از این، ۱۵ تن پسته خشک از باغات خود برداشت می‌کردم که حدود ۴۵ تن پسته تر می‌شود. امسال حجم برداشت به شش تن رسید. از کل ۲۰ هکتار، به‌خاطر بی‌آبی، شش تن پسته برداشت کردم. چاه‌های منطقه در حال خشک‌شدن است. آب نیست. در فصل تابستان که هوا گرم می‌شود، اگر پسته‌ای باشد یا پوک می‌شود یا نیم‌مغز و خشک می‌شود. هزینه باغداری پنج برابر شده است. در گذشته صد یا ۲۰۰ هزار تومان به یک کارگر حقوق می‌دادیم، درحال‌حاضر یک میلیون تومان حقوق می‌دهیم. هزینه گازوئیل وحشتناک است. هزینه موتور، تراکتور و ... نیز هزینه‌های بالایی است؛ اما در مقابل، تولید کاهش یافته است.

طرح‌های انتقال آب برای باغات پسته عملی نمی‌شود

در ساوه وضعیت آب خوب است؟

اینجا هم دارد شرایط بد می‌شود؛ اما کمی بهتر از کرمان است. در ساوه نیز همه جا چاه زده‌اند و از آب زیرزمینی استفاده می‌کنند. سطح آب پایین رفته است. در رفسنجان قبل از انقلاب هرکس ملک یا پسته‌کاری داشت، وضع مالی خوبی داشت. انقلاب که شد، گفتند هرکس هرجایی می‌خواهد برود چاه بزند و باغ ایجاد کند. به همه پروانه دادند. حالا کار به جایی رسیده است که در استان کرمان و حتی تا یزد، شهر بابک، زرند، نوق، دشت‌انار و ... حدود ۴۰۰ هزار هکتار باغ پسته وجود دارد، ولی آب نداریم. من در آنجا از ارث پدری ۲۰ هکتار باغ دارم. باوجود شایعاتی که می‌گویند برادرم باغات زیادی دارد، او فقط پنج هکتار باغ دارد. تا قبل از اینکه به همه اجازه حفر چاه بدهند، در عمق ۵۰متری زمین‌های کرمان به آب می‌رسیدیم و چاه ۵۰ اینچ آب می‌داد. درحال‌حاضر عمق چاه‌های منطقه به صد متر رسیده و چاه‌ها فقط دو میل آب می‌دهند.

درخت پسته با افزایش سن، آب بیشتری نیاز دارد و یک باغ ۳۰ساله، ۱۰ برابر نسبت به زمانی که کاشته شده است، آب می‌خواهد. وقتی چاه‌ها بدون آب می‌شوند، مردم مجبورند این سرمایه را رها کند. هر درختی که بخواهید ۳۰ سال روی آن زحمت بکشید، حداقل یک میلیون تومان هزینه برایتان خواهد داشت. حال ببینید چه ثروتی در کرمان در حال ازبین‌رفتن است. خیلی‌ها برای تأمین آب کرمان، طرح‌هایی دادند. گفتند آب از تاجیکستان بیاوریم. یکی گفت از سرشاخه‌های اصفهان آب بیاوریم و دیگری گفت از کارون بیاوریم. برخی دنبال تأمین آب از بندرعباس بودند. به نظر من هیچ‌کدام از این طرح‌ها عملی نمی‌شود.

اگر این طرح‌ها عملی شود، به نظر شما اقتصادی است؟

این پروژه‌ها اقتصادی هم نیست. تاجیکستان اگر به ما آب بدهد، باید از مسیر دو تا سه کشور رد شود، هزینه‌های چنین طرحی سرسام‌آور است. سه سال بعد هم رئیس‌جمهور این کشور ممکن است بگوید آب نمی‌دهیم. مرحوم اخوی من سعی کرد برای یزد از سرشاخه‌های اصفهان ثانیه‌ای سه متر مکعب آب بیاورد، مردم منطقه هنوز هم دارند از این طرح استفاده می‌کنند؛ اما درحال‌حاضر اصفهانی‌ها با انتقال همین میزان آب هم مشکل دارند و می‌گویند ما خودمان به این آب نیاز داریم.

به‌عنوان کسی که سابقه حضور در وزارت امور خارجه را داشته، انتقال آب از تاجیکستان و افغانستان کار راحتی است؟

خیر، این پروژه‌ها قابل اجرا نیست.

چرا قابل اجرا نیست؟ انتقال آب از این کشورها چقدر برای ایران هزینه دارد؟

این پروژه‌ها هزینه‌های خیلی بالایی دارد. اگر بخواهند از تاجیکستان برای رفسنجان آب بیاورند، باید لوله انتقال آب اول از مسیر ازبکستان بگذرد، بعد ترکمنستان و از آنجا به افغانستان و سپس وارد ایران شود تا از منطقه سرخس به سمت کرمان بیاید. هزینه این انتقال به قدری زیاد است که نمی‌صرفد.

از نظر سیاسی فکر می‌کنید انتقال آب از کشورهای همسایه درست باشد؟

از نظر سیاسی هم ممکن است در شرایط فعلی رئیس‌جمهور یک کشور برای تأمین نیازهای آبی ایران اعلام آمادگی کند، اما اوضاع این‌گونه باقی نمی‌ماند، تحولات منطقه خیلی سریع است؛ دو سال بعد ممکن است رئیس‌جمهور کشوری که قصد تحویل آب به ایران را دارد، از تصمیم خود صرف‌نظر کند یا اینکه مثلا کشور ازبکستان اجازه انتقال مسیر لوله انتقال آب را ندهد یا افغانستان همکاری نکند.

> **اگر بخواهند از تاجیکستان برای رفسنجان آب بیاورند، باید لوله انتقال آب اول از مسیر ازبکستان بگذرد، بعد از آنجا به افغانستان و سپس وارد ایران شود تا از منطقه سرخس به سمت کرمان بیاید. هزینه این انتقال به قدری زیاد است که نمی‌صرفد. از نظر سیاسی هم ممکن است در شرایط فعلی رئیس‌جمهور یک کشور برای تأمین نیازهای آبی ایران اعلام آمادگی کند، اما اوضاع این‌گونه باقی نمی‌ماند**

تحولات سریع منطقه امکان تحویل آب از کشورهای همسایه را برای ایران ضعیف می‌کند؟

بله، خیلی ضعیف می‌کند. یک راه برای تأمین آب وجود دارد. می‌گویند سطح آب زیرزمینی یزد در اثر انتقال آب از اصفهان و مصرف این آب، ۳۰ متر بالا آمده است. اگر بخواهند چاه‌های مناطق مرکزی ایران آبدار شود، باید از بندرعباس و بحر عمان کانال بزنند تا در استان‌ها به‌صورت مارپیچ حرکت کند. آب داخل کانال، به داخل زمین نفوذ می‌کند و آب چاه‌ها بالا می‌آید.

آب دریا شور است. این آب خاک را خراب نمی‌کند؟

تجربه نشان داده است آب دریا که بیاید، شرایط خیلی بهتر می‌شود. آبی که ما در باغات پسته مصرف می‌کنیم درجه شوری حدود هفت هزار دارد و چندان شیرین نیست. انتقال آب دریا با کانال، چاه‌ها را آبدار می‌کند.

طرح مرحوم هاشمی اجرائی نشد

مشابه چنین طرحی در زمان ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی هم مطرح بود. قصد داشتند مسیری آبی بین خلیج فارس و دریای خزر برای حمل و نقل ایجاد کنند، اما همان زمان این پروژه متوقف شد. دلیل توقفش چه بود؟

مرحوم هاشمی طرحشان آن زمان این نبود. طرح این بود که از کوه‌های البرز آبی را که از رودخانه‌ها به بحر خزر می‌ریزد، قبل از ریختن به دریا یک جا جمع کنند و از کوه، آب را به سمت تهران و ایران بازگرداند. این طرح هم اجرائی نشد.

یعنی برای اتصال خزر و خلیج‌فارس در زمان مرحوم هاشمی هیچ طرحی وجود نداشت؟

ایشان طرحی داشتند و در نماز جمعه مطرح کردند، ولی خوب نتوانستند اجرا کنند. الان طرحی وجود دارد که سپاه می‌خواهد آب از بندرعباس بیاورد. بهترین راه این است که کانال بزنند. کانال را بتون‌ریزی نکنند. کانالی باشد که نفوذ کند، مارپیچ هم باشد و از داخل کشور عبور کند. به‌این‌ترتیب چاه‌ها آبدار می‌شود در غیراین صورت، باغات پسته کرمان به‌عنوان یک ثروت ملی از بین خواهد رفت. به‌خاطر دارم که ما اولین چاه منطقه کرمان را داشتیم و این چاه را با یکی از پول‌داران منطقه یعنی آقای برخوردار شریک بودیم. قبل از انقلاب می‌خواستیم برای این چاه یک موتور بزنیم، اما به ما پروانه نمی‌دادند؛ ما به آقای برخوردار متوسل شدیم، او اعلام کرد که سه‌دانگ آب این چاه را از ما می‌خرد و برای چاه پروانه می‌گیرد. این کار را کردند و پروانه گرفتند. هنوز هم نصفی از آب را آنها می‌برند و نیمی دیگر را ما استفاده می‌کنیم.

باغات مرحوم هاشمی خشک شد

درحال‌حاضر پنج هکتار باغ برادر مرحومتان هم از همان چاه آب دریافت می‌کند؟

آن باغات دیگر خشک شده است، اما از همان‌جا آبیاری می‌شود. قبل از انقلاب به ما پروانه دادند که بتوانیم ۴۰ لیتر بر ثانیه آب برداشت کنیم. آن موقع آب هم بود. چاه می‌زدیم حداکثر عمقش ۵۰ متر بود. الان عمق چاه به ۴۰۰ متر رسیده است و دو اینچ هم آب می‌دهد. هر سال هم باید چاه را ساماندهی کنیم. به‌تازگی برای ساماندهی چاه قصد داشتیم مجوز دریافت کنیم که پروانه ما را از ۴۰ لیتر به ۲۰ لیتر تعدیل کردند. اگر پروانه چاه‌ها را تعدیل کنند، درخت‌های باغات هم باید خشک و رها شوند. خطر این‌چنینی در منطقه وجود دارد.

یعنی سرمایه‌های مردم در حال ازدست‌رفتن است؟

بله، البته باغات تک‌محصولی هم هست. ثروت و زندگی مردم فقط به یک محصول گره خورده، اما در سایر مناطق محصولات متنوع است. در سمت همدان گندم دیم دارند. اما در کرمان تک‌محصولی است و با خشک‌شدن باغات پسته، مردم باید همه‌چیز را رها کنند.

سرنوشت پنج هکتار باغ برادر مرحومتان چه شد؟ خانواده برای آن برنامه‌ای ندارند؟

یک کارگر در باغ هست که اگر محصولی داشته باشد، به تهران می‌فرستد. حالا با پنج کیسه پسته نمی‌توان زندگی مرفهی داشت. در گذشته می‌شد با همان باغ زندگی مطلوبی ایجاد کرد. من پنج سال قبل که وضع بهتر بود، ۶۰۰ گونی پسته داشتم؛ امسال فقط ۹۰ گونی پسته برداشت کردم. محصول کاهش پیدا کرده است. این نوعی اخطار است. اگر دولت به این مسئله نرسد، افراد هم نمی‌توانند مشکلات را ساماندهی کنند. دولت باید برای بی‌آبی برنامه داشته باشد. مردم آمادگی دارند کمک کنند تا زندگیشان متلاشی نشود.

رفسنجانی‌ها در آمریکا باغ پسته ایجاد کردند

شما مدتی در سوریه حضور داشتید و شرایط منطقه را می‌دانید. سوریه از نظر مراودات تجاری برای ایران خیلی اهمیت دارد؟ پسته‌کاران رفسنجان می‌گویند محصولاتشان را در بندرگاه‌های سوریه با آغاز جنگ از دست داده‌اند. واقعا سوریه دروازه صادرات محصولات ایرانی بوده است؟

خیر؛ سوریه هیچ‌گاه برای تجارت مهم نبوده است. تولید پسته ایران زمانی به ۳۰۰ هزار تن در سال هم رسید؛ اما به نظر من درحال‌حاضر به ۱۵۰ هزار تن کاهش یافته است. قبل از انقلاب، ایران به آمریکا ۲۰ هزار تن پسته صادر می‌کرد؛ اما آمریکا به‌تازگی پسته‌کاری کرده است و همین رفسنجانی‌های ما در آمریکا باغ پسته ایجاد کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

وزارت نفت درآمد هدفمندی را به خزانه واریز نمی‌کند

● عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: وزارت نفت به قانون برای واریزکردن درآمد هدفمندی یارانه‌ها به خزانه تمکین نمی‌کند و آن را در حساب یکی از بانک‌ها واریز کرده و از این محل سود دریافت می‌کند. هادی قوامی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، درباره مصارف هدفمندی یارانه‌ها اظهار کرد: طبق گزارش ارائه‌شده، درآمدهایی که باید از محل هدفمندی یارانه‌ها به خزانه واریز شود، با ابهام مواجه است. شرکت نفت و گاز باید این درآمد را طبق اصل ۵۳ قانون اساسی به خزانه واریز می‌کرد که این کار صورت نگرفته است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تأکید کرد: براساس مکانیزم تخصیص اعتبار پس از واریز درآمد به خزانه، هزینه به آنها اختصاص داده می‌شد، بنابراین همه درآمدهای هدفمندی باید متمرکز و مصارف آنها نیز مشخص باشد. او همچنین اشاره کرد که درآمدهای شرکت ملی نفت و گاز به خزانه واریز نشده و در حساب یکی از بانک‌ها رفته و از این محل سود دریافت می‌شود. قوامی با بیان اینکه در صورت عدم‌تمکین وزارت نفت و مسئولان دولت، قطعا درباره هدفمندی یارانه تصمیم قاطع‌تری در بودجه ۹۷ خواهیم گرفت، تصریح کرد: متأسفانه هدفمندی یارانه، همان مسیر غلط دولت دهم را ادامه می‌دهد. قرار بود ۲۰ درصد از منابع هدفمندی به دولت اختصاص یابد، اما اکنون ۲۰ درصد از بودجه جاری نیز برای مصارف هدفمندی استفاده می‌شود.

دلیل توقف گرانی نان اعلام شد

● رئیس اتاق اصناف ایران کاهش وزن چانه‌های نان در مصوبه جدید و بروز اختلاف نظر در این خصوص را یکی از دلایل توقف مصوبه گرانی نان تا اطلاع ثانوی اعلام کرد. علی فاضلی در گفت‌وگو با «تسنیم»، درباره دلیل توقف مصوبه گرانی نان اظهار کرد: افزایش قیمت نان فعلا و تا تشکیل کارگروه بعدی تنظیم بازار متوقف شد. او افزود: دو طرف، یعنی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نان، از این افزایش قیمت ناراضی بوده‌اند به همین منظور این مصوبه فعلا متوقف شده تا مجدد بررسی شود. رئیس اتاق اصناف ادامه داد: وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور داده است که افزایش قیمت نان ابلاغ نشود تا در جلسه ستاد تنظیم بازار مجددا به بحث گذاشته شود.